

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلام ۳۱

قواعدی در اسماء و صفات الله تعالی شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

در این مقاله به بیان چهار قاعده مهم در صفات و اسماء الهی می پردازیم که فهم این چهار قاعده در فهم مسئله اسماء و صفات مهم است.

قاعده اول: سخن در باره صفات همانند سخن در باره ذات است.

هیچ کس و هیچ چیز در ذات، صفات و افعال مانند و شبیه الله تعالی نیست. خداوند دارای یک ذات حقیقی است که بدون اختلاف مثال و ماندی ندارد. دارای صفاتی است که در کتاب و سنت ثابت می باشند؛ صفات حقیقی که مانند و شبیهی ندارند. پس سخن در ذات و صفات در یک مرتبه قرار دارد.

و این قاعده بزرگی است که به وسیله آن با منکرین صفات که اثبات کننده ذات هستند، بحث می شود. همانا اثبات ذات پروردگار عزوجل محل اجماع امت است. هنگامی که گوینده می گوید: صفات ثابت نمی شوند زیرا در اثبات آن خداوند به مخلوقاتش تشبیه شده است. به او گفته می شود: تو برای خداوند ذاتی حقیقی را ثابت می کنی و برای مخلوقات نیز ذاتی را ثابت می کنی آیا تشبیه کردن در سخن تو وجود ندارد؟! اگر گفت: همانا ذاتی برای خداوند ثابت می کنم که شبیه ذاتهای دیگر نیست و غیر از این در باره او گفته نمی شود. به او گفته می شود: این امر تو را در باب صفات نیز ملزم می گرداند زیرا هنگامی

که ذات او مانند و شبیه ذاتهای دیگر نیست حق آن است که صفات ذات الهی نیز شبیه صفات دیگر نباشد. اگر گفت: چگونه صفت را اثبات می کنی در حالیکه کیفیت آن را نمی دانی؟ می گوییم: همچنانکه برای او ذات را ثابت می کنی در حالیکه کیفیت آن را نمی دانی.

قاعده دوم: سخن گفتن در بعضی از صفات همانند سخن گفتن در صفات دیگر است.

توضیح آن اینکه: سخن گفتن در بعضی از صفات از لحاظ اثبات و نفی مانند سخن گفتن در صفات دیگر است و این قاعده آن کسی را که بعضی از صفات را اثبات و بعضی دیگر را انکار می کند مورد خطاب قرار می دهد. هنگامی که مردی بعضی از صفات مانند حیات، علم، قدرت، شنیدن، دیدن و جز اینها را ثابت می کند و تمام آنها را حقیقی قرار می دهد سپس در صفت محبت، رضا، غضب و چیزهای دیگر نزاع می کند و آنها را مجازی قرار می دهد به او گفته می شود: فرقی بین آنچه که اثبات می کنی و آنچه که نفی می نمایی وجود ندارد سخن گفتن در مورد یکی از آنها مانند سخن گفتن در مورد دیگری است. هنگامی که برای او حیات، علم، قدرت، شنیدن، دیدن را بدون تشبیه کردن به صفات مخلوقین ثابت می کنی تو را ملزم می کند که برای او محبت، رضا، غضب را هم ثابت کنی چنانکه خداوند از نفس خود بدون شبیه ساختن به مخلوقات خبر داده است اگر این را نپذیرد در تناقض و تضاد واقع می شود.

قاعده سوم: اسماء و صفات توقیفی هستند.

اسماء و صفات الله تعالی توقیفی هستند و برای عقل در آن مجال نیست بر این اساس واجب است که در آن بر همان چیزی که در کتاب و سنت بیان شده اکتفا نمود که در آن زیاد و کم کردن راه ندارد زیرا آنچه را که لایق به الله تعالی در اسماء و صفات است عقل قادر به درک آن نیست پس واجب است بر نص توقف نمود. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا تَقَفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء ۳۶)

«در آنچه بر آن علم نداری توقف کن زیرا گوش، چشم و دل همه مورد سؤال واقع خواهند شد.» و امامان اسلام بر این منهج قرار داشته اند.

امام احمد: می فرماید: (لا يوصف الله إلا بما وصف به

نفسه أو وصفه به رسوله لا يتجاوز القرآن

والحديث) «الله تعالی جز به آنچه خود را به آن وصف نموده یا پیامبر او را به آن وصف کرده که قرآن و حدیث است و وصف نمی شود».

تعدادی از علما بیان می کنند که توصیف یک چیز برای فهم آن از سه طریق امکان پذیر است: یا به وسیله دیدن آن، یا دیدن مانند آن یا وصف آن از کسی که آن را می شناسد. و علم و شناخت ما نسبت به پروردگاران و اسماء و صفاتش در طریق سوم خلاصه شده است و آن وصف او از طریق کسی است که او را می شناسد و کسی از خداوند نسبت به خودش عالمتر نیست سپس پیامبران که به آنها وحی می شود. پس ضرورت طریق وحی برای فهم در اسماء و صفات لازم است بنابراین ما پروردگاران را در دنیا

نمی بینیم و او را به آنچه وصف می شود بدون شبیه کردن به مخلوقات وصف می نماییم. پروردگار ما بلند مرتبه و پاک است.

قاعده چهارم: نامهای خداوند همه نیکو هستند.

نامهای خداوند همه نیکو هستند یعنی همه در نهایت زیبایی قرار دارند. الله تعالی می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (اعراف ۱۸۰)

«و خداوند دارای نامهای نیکوست» که بر زیباترین نامها و اشرفترین مدلول که وجود الله تعالی است، دلالت می کنند. که متضمن صفات کاملی است که به هیچ وجه احتمال نقصان در آن وجود ندارد و ممکن هم نیست.

مثال برای آن: (الحی) نامی از نامهای خداوند متعال است که متضمن حیات کامل که عدم بر او سبقت نگرفته و زوال بر آن نیاید. حیات مستلزم کمال صفات از نظر علم، قدرت، شنیدن، دیدن و جز اینها می باشد.

مثال دیگر: (العلیم) نامی از نامهای الله تعالی است که متضمن علم کامل است که جهل بر آن پیشی نگرفته و به فراموشی منتهی نمی گردد. الله تعالی می فرماید: ﴿عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى﴾ (طه ۵۲)

«علم آن در کتابی نزد پروردگارم است نه خطا می کند و نه فراموش می نماید». علم او به صورت اجمالی و تفصیلی همه چیز را در بر گرفته است فرق نمی کند متعلق به افعال او یا افعال مخلوقاتش باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ

الْأَعْيُنِ وَمَا تُحْفِي الصُّدُورُ﴾ (غافر ۱۹) «چشمهای خائن و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند».

زیبایی در نامهای خداوند به اعتبار هر نام به تنهایی و به اعتبار جمع شدن با دیگری است پس همراه شدن اسمی از اسماء پروردگار با اسم دیگر کمال اندر کمال است.

مثال دیگر: (العزيز الحكيم) الله تعالی در بسیاری از جاهای قرآن بین آنها را جمع نموده است هر یک از آنها دلالت بر کمال خاص دارد که مقتضی آن است و آن عزت در عزیز و داوری و حکمت در حکیم است. جمع بین این دو دلالت بر کمال دیگری دارد و آن اینکه عزت برای الله تعالی به حکمت است پس عزت او مقتضی ظلم و ستم نیست کما اینکه بعضی از مخلوقات قدرتمند اینگونه می باشند بعضی از آنها قدرت را با گناه بدست می آورد پس ظلم و ستم می کند. همچنین داوری خداوند و حکمت او مقرون به عزت کامل است بر خلاف داوری مخلوق و حکمت او گاهی ذلت و خواری بر آنها عارض می شود. و الله اعلم.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.